



محاسبه و تحلیل ساختار اشتغال غیر رسمی در مناطق شهری استان کردستان

زهرا کریمی موعاری^۱ - شهریار زروکی^۲ - زریان احمدی^۳

تاریخ دریافت: ۹۷/۳/۵ تاریخ پذیرش: ۹۷/۹/۲۸

چکیده

مشاغل غیررسمی، مشاغلی هستند که افراد شاغل در آن بدون داشتن قرارداد رسمی کار، با دستمزد کمتر از حداقل مزد قانونی و بدون برخورداری از حمایت‌های اجتماعی (مانند بیمه‌های اجتماعی) و چتر حمایتی قانون کار (مانند اخطار پیش از اخراج، مرخصی استحقاقی سالانه یا استعلاجی و غیره) مشغول به کارند. امروزه اشتغال غیررسمی سهم قابل توجهی از اقتصاد ایران را به خود اختصاص داده است. در مقاله حاضر با استفاده از داده‌های خام طرح نمونه‌گیری هزینه-درآمد خانوار در مناطق شهری استان کردستان، میزان اشتغال غیررسمی محاسبه و ترکیب اشتغال غیررسمی به تفکیک جنسیت برای هر یک از متغیرهای سن، میزان تحصیلات، وضعیت تاهل و نوع فعالیت در سال‌های ۱۳۸۰، ۱۳۸۷ و ۱۳۹۳ بررسی و مقایسه شده است. سپس تاثیر هر یک از ویژگی‌های شاغلان بر احتمال حضور آنان در بخش غیررسمی با استفاده از مدل رگرسیون لجیت با متغیر وابسته کیفی بررسی شده است. معیار محاسبه اشتغال غیررسمی، شاخص برخورداری از حداقل مزد قانونی و برخورداری از بیمه‌های اجتماعی است. نتایج حاصل از محاسبه اشتغال غیررسمی نشان می‌دهد که در فاصله سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۳ نسبت اشتغال غیررسمی در مناطق شهری استان کردستان افزایش یافته و از ۶۷/۱ به ۷۳/۸ درصد رسیده است. نتایج تخمین مدل لجیت نشان می‌دهد که متغیرهای سن، وضعیت تاهل، میزان تحصیلات و نوع فعالیت تأثیر معناداری بر اشتغال غیررسمی دارند. افزایش سن، افزایش تحصیلات و متأهل بودن احتمال اشتغال غیررسمی را کاهش می‌دهند. در مناطق شهری استان کردستان بخش صنعت و پس از آن بخش خدمات بیشترین سهم از شاغلان غیررسمی را در خود جای داده است.

طبقه بندی JEL: O17، C31

کلید واژه‌ها: اشتغال غیر رسمی، استان کردستان، مدل لجیت

^۱دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول) zahra.karimimoughari@gmail.com

^۲استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه مازندران sh.zaroki@umz.ac.ir

^۳کارشناس ارشد اقتصاد، دانشگاه مازندران zryanahmadi@gmail.com

۱. مقدمه

اصطلاح بخش غیررسمی^۱ در سال ۱۹۷۲ مطرح گردید، ولی ریشه‌ی آن به سیاست‌های توسعه‌ای در دهه‌های ۱۹۶۰ برمی‌گردد. در آن زمان سیاست‌هایی که برای بازسازی موفق کشورهای توسعه‌یافته کنونی مانند ژاپن و کشورهای اروپایی به کار رفته بود، در کشورهای جهان سوم بدون توجه به موقعیت و شرایط ویژه هر کشور، به منظور توسعه اقتصادی آنها به کار گرفته شد. در این کشورها مهاجرت روستاییان به شهرها و نبود ظرفیت لازم جهت جذب این افراد در مراکز صنعتی موجود در شهرها سبب شد تا بسیاری از این افراد به سمت فعالیت‌های غیررسمی کشیده شوند (بنگاسر^۲ ۴،۲۰۰). شکل‌گیری فراگیر بازار کار غیررسمی در ایران را می‌توان با انجام اصلاحات ارزی همزمان دانست. اصلاحات ارزی پیوند نیروی کار با زمین را در ایران گسست و شرط لازم پدیداری بازارهای کار سیال و متحرک را محقق کرد، اما انفجار عواید حاصل از نفت در دهه ۱۳۵۰ خورشیدی، ساختار بازار کار کشور را سمت و سوی دیگر بخشید. از یکسو، وجود درآمدهای نفتی، ورود فناوری خارجی با سرمایه‌بری بالا را تسهیل کرد و امکان تاسیس صنایع مدرن به ویژه دولتی را فراهم کرده و موجب گسترش انحصارها و افزایش قدرت تصدی‌گری دولت شد. از سوی دیگر نیروی کار آزاد شده از زمین (در دوران اصلاحات ارضی) سرمایه اضافی لازم برای ورود گسترده به صنایع مدرن را نداشت. بر این اساس بخش بزرگی از کارگران آزاد شده از بخش کشاورزی و روستایی نتوانستند جذب شغل‌های صنعتی و خدماتی رسمی جدید شوند. این نیروها به تدریج در فعالیت‌های غیررسمی خارج از نظارت و هدایت دولت اشتغال یافتند. فعالیت‌هایی که نیاز به سرمایه مالی و انسانی اندکی داشتند و به عنوان فعالیت‌های حاشیه‌ای بر اقتصاد رسمی عمل می‌کردند (کاتوزیان ۱۳۷۹، ۳۶).

در طول پنج دهه گذشته پس از اصلاحات ارزی (۱۳۴۰ تا کنون)، بخش غیررسمی نه تنها دوام داشته بلکه گسترش یافته است. آنچه در سال‌های اخیر بر اهمیت نقش و جایگاه بخش غیررسمی در کشور ما افزوده است، بحران اقتصادی، تورم بالا، بیکاری و نرخ حداقل دستمزدها و رشد جمعیت نیروی کار به خصوص در مناطق شهری (در نتیجه تداوم مهاجرت روستایی) بوده است. اشتغال در بخش رسمی راکد بوده و این بخش قادر به جذب مازاد نیروی کار نبوده است. تحت این شرایط بخش غیررسمی یک رشد بی‌سابقه و غیرقابل انتظاری را تجربه کرد (رنانی ۱۳۹۱، ۱۲).

۲. بیان مسئله

با وجود حجم عظیم و سهم بالای بخش غیررسمی در اقتصاد ایران، هنوز مطالعات ملی و منطقه‌ای تفصیلی در مورد ویژگی‌ها و ساختار بخش غیررسمی در اقتصاد ایران انجام نشده است، چرا که سهم بخش غیررسمی در مناطق مختلف کشور با توجه به پتانسیل‌ها و شرایط خاص هر منطقه متفاوت است. بنابراین بررسی ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر منطقه در مقایسه با ویژگی‌های خاص بخش غیررسمی می‌تواند شناخت اولیه‌ای از زمینه اندازه و ساختار بخش غیررسمی در آن منطقه فراهم سازد.

یکی از مناطق کشور که از جنبه‌های مختلف دارای ساختار اجتماعی و اقتصادی ویژه‌ای است، استان کردستان است. این استان با وجود ویژگی‌ها و موقعیت جغرافیایی خاص آن در همجواری با کشور عراق (و دارای پتانسیل‌های زیاد در زمینه‌های بازرگانی، گردشگری و کشاورزی) تاکنون در شمار استان‌های توسعه‌نیافته به لحاظ اقتصادی باقی مانده است. سهم ۶۵/۵ درصدی بخش خدمات در این استان از اشتغال، همچنین سهم ۲۷ درصدی بخش کشاورزی و ۷/۵ درصدی بخش صنعت و معدن در حالی است که کردستان بیش از ۶۰۰ میلیون تن ذخیره معدنی دارد (استاندارداری استان کردستان ۱۳۹۵). جمعیت استان یک میلیون و ششصد و سه هزار و یازده نفر است و نرخ رشد جمعیت در استان با ۱/۴۲ درصد بیشتر از میانگین کشوری با ۱/۲۴ درصد است. طبق نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰ مرکز آمار ایران بیشترین درصد کل جمعیت استان کردستان در گروه‌های سنی ۲۰ تا ۲۹ سال بوده که این شاخص در سال ۱۳۸۵ در گروه‌های سنی ۵ تا ۹ سال و ۱۰ تا ۱۴ سال قرار داشته است (نتایج سرشماری‌های مرکز آمار ایران). در طول سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰، ۱۳۴ هزار نفر در استان مهاجرت کرده‌اند که ۵۶/۰۴ درصد از آن به دلیل اشتغال بوده است، که از این میزان ۸۸ هزار نفر در داخل استان و ۴۶ هزار نفر به خارج از استان مهاجرت کرده‌اند که ۷/۸ درصد به دنبال کار و ۳۰/۹ درصد به دنبال کار بهتر و ۴۴/۷ درصد پیروی خانواده‌ها برای مهاجرت آقایان شاغل است. در مقابل مهاجر فرست بودن استان با توجه به شرایط مرزی آن ۱۳۱ هزار و ۵۶۸ نفر نیروی کاری نیز در طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ به داخل استان مهاجرت کردند (نتایج سرشماری‌های مرکز آمار ایران). همچنین میزان بیکاری در سال ۱۳۹۳ در استان ۱۶/۱ درصد بوده است، که بر این اساس، پس از لرستان در جایگاه دوم کشور از نظر بیکاری قرار داشته است (نتایج آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران ۱۳۹۳). در سال ۱۳۹۴ نیز استانداردی کردستان

۳. ادبیات تحقیق

تا اوایل دهه ۱۹۷۰ دیدگاه غالب برای تحلیل مسائل بازار کار رویکرد نئوکلاسیکی بود. از اوایل دهه مذکور رویکرد دیگری به نام رویکرد بازارهای کار دوگانه یا جدا^۳ اهمیت زیادی برای تفکیک بازارهای کار در کشورهای در حال توسعه بر حسب بخش رسمی (اولیه یا مدرن) و بخش غیررسمی (سنتی یا ثانویه) قائل است (مهرآرا، ۱۳۸۰، ۱۲۹). در بخش اولیه یا رسمی، کارگران دارای دستمزد بالا، مزایای خوب، امنیت شغلی و دارای تشکل هستند. بخش ثانویه یا غیررسمی توسط نیروهای بازار مشخص می‌شود. ویژگی مشاغل این بخش مهارت کم، درآمد پایین، ورود آسان، ناپایداری شغلی و بازده پایین آموزش یا تجربه است (جهان تیغ ۱۳۹۲).

مفهوم بخش غیررسمی اولین بار توسط سازمان بین‌المللی کار^۴ در اوایل دهه ۱۹۷۰ معرفی شد. کیت هارت^۵ از اولین اقتصاددانانی است که واژه بخش غیررسمی را تقریباً همزمان با سازمان بین‌المللی کار در مباحث مربوط به کشورهای در حال توسعه به کار گرفت. او تعریف خود از بخش غیررسمی را بر اساس اینکه افراد کسب و کار شخصی دارند یا حقوق بگیر هستند ارائه کرده است. ستورامان^۶ تعریف خود از بخش غیررسمی را بر اساس انگیزه فعالیت این بخش استوار نموده است؛ وی معتقد است بر خلاف بخش رسمی که انگیزه فعالیت در آن حداکثرسازی سود است، بخش غیررسمی ایجاد اشتغال در جهت کاهش بیکاری را هدف قرار داده است. تعریف دیگر از بخش غیررسمی، در بانک جهانی از سوی مزومدر^۷ ارائه شده است. وی تعریف خود از بخش غیررسمی را از مقایسه بخش غیررسمی با بخش رسمی ارائه داده است. مزومدر این بخش را بر خلاف بخش رسمی که حمایت‌های شغلی منجر به بالا رفتن سطح دستمزدها و بهبود شرایط کاری می‌شود، محروم از قوانین تامین اجتماعی، بیمه بیکاری و قوانین کار می‌داند (بختیاری و خوب خواهی ۱۳۹۰، ۱۲۰).

سازمان بین‌المللی کار، برای بخش غیررسمی ویژگی‌های زیر را ارائه داده است:

- ۱- نیاز به هزینه کم ۲- کارگر بر ۳- ورود آسان به این بخش ۴- نیاز کم به تخصص و تحصیلات رسمی ۵- عرضه خدمات و تولیدات قابل رقابت (توماس و همکاران ۱۳۷۶).
- بخش غیررسمی بر اساس ماهیت بنگاه تعریف می‌گردد در حالی که اشتغال غیررسمی گسترده‌تر است و حمایت‌های شغلی را معیار قرار می‌دهد. ممکن است افراد در بخش رسمی فعالیت داشته باشند، اما تحت پوشش قوانین کار (حداقل دستمزد، بیمه و ...) نباشند، اینجاست

آخرین نرخ بیکاری در این استان را حدود ۲۸ درصد اعلام کرد در حالی که آمار منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران نرخ بیکاری را ۱۳/۳ اعلام کرد و کردستان در جایگاه پنجم از نظر بیکاری در کشور قرار گرفت. این در حالی است که برخی آمارهای غیررسمی میزان بیکاری را تا بالای ۴۵ درصد نیز تخمین زده‌اند. با توجه به آمار اعلام شده می‌توان دریافت یک روند صعودی بر آمار بیکاری در کردستان حاکم است، به طوری که با گذشت زمان هیچ اقدامی در مهار آن انجام نشده است. آمار بالای بیکاری در این استان و وجود بخش‌های ضعیف کشاورزی و صنعت باعث رشد مهاجرت افراد از مناطق روستایی استان به سوی مناطق شهری شده، که بیشتر این افراد پس از ورود به شهر در فعالیت‌های غیررسمی جذب شده و باعث گسترش پدیده حاشیه‌نشینی در اطراف شهرها می‌شوند. اینها همه فراهم آورنده زمینه‌هایی هستند که می‌توانند به گسترش بی‌رویه اشتغال در بخش غیررسمی استان منجر شوند. بنابراین، در صورت فقدان برنامه‌ریزی مناسب در استان برای شناسایی، هدایت و ارتقای فعالیت‌های بخش غیررسمی، گسترش فعالیت‌های غیررسمی در استان نرخی فزاینده خواهد گرفت. با توجه به اهمیت بحث اشتغال و بویژه تحلیل اشتغال غیررسمی بصورت منطقه‌ای، این پژوهش در پی آن است که سهم، حجم، ساختار بخشی و ترکیب اشتغال غیررسمی را در مناطق شهری استان کردستان مورد مطالعه قرار دهد. شناسایی این ویژگی‌ها اصلی‌ترین اطلاعات پایه را جهت سیاست گذاری در جهت نظارت، هدایت و ارتقا این فعالیت‌ها فراهم می‌آورد. پس مطالعه‌ی اشتغال غیررسمی و پیامدهای آن در استان کردستان، گامی در جهت شناسایی ابعاد این مسئله و یافتن راهکارهای مناسب برای مسئله گسترش اشتغال غیررسمی در این استان است. اندازه‌گیری اشتغال غیررسمی در سال‌های ۱۳۸۰، ۱۳۸۷ و ۱۳۹۳ انجام می‌شود تا با استفاده از آن مشخص نماید وضعیت اشتغال در فاصله سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۳ چه تغییراتی داشته است. پژوهش حاضر در ۵ بخش بدین شرح ارائه گردیده است، که پس از مقدمه در بخش دوم ادبیات پژوهش مطرح می‌شود. در بخش سوم اشتغال غیررسمی محاسبه و همچنین ترکیب اشتغال غیررسمی به تفکیک جنسیت برای تمامی متغیرها ارائه می‌شود. الگو و یافته‌های مدل لاجیت در بخش چهارم ارائه خواهد شد. نتایج و پیشنهادهای در بخش پنجم بیان خواهند گردید.

مطالعه وی حاکی از این مطلب است که افراد دارای تحصیلات پایینتر بیشتر به صورت غیررسمی کار کرده‌اند، به گونه‌ای که شصت و شش درصد از کسانی که دارای تحصیلات متوسطه بوده‌اند، اشتغال غیررسمی داشته‌اند و این رقم برای کسانی که دارای تحصیلات عالی بوده‌اند، بیست و نه درصد بوده است.

هنلی و اربشیانی^{۱۰} (۲۰۰۹)، با استفاده از تحلیل پرسشنامه‌های گردآوری شده از خانوارهای برزیلی در دوره ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۴ و تحلیل رگرسیونی، حجم اشتغال غیررسمی این کشور را شصت و سه درصد برآورد کردند. در این تحقیق، عوامل سطح سواد پایین افراد و گرایش زنان به فعالیت به شکل غیررسمی به دلیل ضعف سیستم‌های حمایتی اجتماعی و امنیت شغلی برای آنان، در گسترش اشتغال غیررسمی موثر و معنی‌دار دانسته شده است.

گونتو و لونو^{۱۱} (۲۰۱۲)، در مقاله خود تحت عنوان "اشتغال غیررسمی در کشورهای در حال توسعه: فرصت یا آخرین راه حل" اشتغال غیررسمی را در بازار کار شهری ساحل عاج بررسی کردند؛ یافته‌های پژوهش آنها نشان می‌دهد:

۱. بخش غیررسمی در بازار کار شهری ساحل عاج از دو بخش تشکیل شده است که هر بخش معادله دستمزد منحصر به فرد خود را دارد.
۲. یک بخش از نظر درآمد متوسط و بازده آموزش و تجربه نسبت به بخش دیگر بالاتر است.
۳. بخش غیررسمی برای برخی از افراد یک استراتژی از آخرین راه حل برای فرار از بیکاری و برای بعضی دیگر دارای مزیت نسبی است.

نایب (۱۳۷۸)، در پایان نامه‌ی خود با عنوان "بررسی ساختار بازار کار بخش غیررسمی شهری" اقدام به ارائه تصویری از بخش غیررسمی شهری ایران نموده است. در مطالعه او بخش غیررسمی شهری ایران بر اساس مالکیت بنگاه و نوع شغل تفکیک و علل پیدایش بخش غیررسمی شهری ایران بررسی شده است. وی بخش غیررسمی را مشاغل آزاد و مزد و حقوق‌بگیر بخش خصوصی در نظر می‌گیرد که مالیات پرداخت نمی‌کنند. به اعتقاد وی، احتمال علت رشد بخش غیررسمی در ایران هزینه‌های بوروکراسی، تنگناهای اقتصادی و هزینه‌های بالای مبادله است. او با استفاده از آمار بودجه خانوار، سهم اشتغال غیررسمی را در سال‌های ۷۶، ۷۷، ۶۸، ۶۹ برآورد کرده است. سهم اشتغال غیررسمی در این سال‌ها میان ۶۰ تا ۶۵ درصد بوده است.

که مفهوم اشتغال غیررسمی برای پوشش دادن انواع فعالیت‌های غیررسمی مطرح می‌گردد.

سازمان بین‌المللی کار، اشتغال غیررسمی را شامل کلیه افرادی می‌داند که در مشاغل غیررسمی (فرد شاغل در آن بدون داشتن قرارداد رسمی کار، با کمترین دستمزد و بدون برخورداری از حداقل مزایای استخدامی مشغول به کار است) به کار مشغول‌اند، صرف‌نظر از اینکه شغل اصلی یا ثانوی آنها باشد. اشتغال غیررسمی می‌تواند در بخش رسمی، بخش غیررسمی یا خانوار باشد و شامل موارد زیر است:

- برای خوداشتغالان در صورتی که فعالیت در بخش غیررسمی باشد، اشتغال آنها نیز غیررسمی محسوب می‌شود؛
 - کارکنان فامیلی بدون مزد، صرف‌نظر از بخشی که در آن کار می‌کنند دارای اشتغال غیررسمی محسوب می‌شوند؛
 - مزدبگیران و حقوق‌بگیران در صورت داشتن اشتغال غیررسمی در بخش رسمی، یا بخش غیررسمی و یا در صورت اشتغال در خانوار، دارای اشتغال غیررسمی محسوب می‌شوند.
- ضوابط متعارف برای اطلاق عنوان غیررسمی به اشتغال عبارتند از:

- نداشتن قرارداد؛
- نداشتن مرخصی سالانه با حقوق؛
- نداشتن مرخصی استعلاجی؛
- پرداخت نشدن حق بیمه از طرف کارفرما (سازمان بین‌المللی کار ۲۰۰۲)

۴. پیشینه تحقیق

فانخوسر^۸ (۱۹۹۶)، در مطالعه‌ای با عنوان "بخش غیررسمی شهری در آمریکای مرکزی" با استفاده از نتایج آمارگیری خانوارها در پنج کشور آمریکای مرکزی از جمله گواتمالا، السالدور، هندوراس، نیکاراگوئه و کاستاریکا، عوامل تعیین‌کننده اشتغال و ساختار درآمد را در دو بخش رسمی و غیررسمی مطالعه کرده است. نتایج مطالعه وی نشان داد که میانگین سال‌های تحصیل در بخش رسمی بیشتر از کارکنان غیررسمی است و با افزایش سطح تحصیلات، اشتغال در بخش غیررسمی کاهش می‌یابد. نتیجه دیگر کار او این است که احتمال اشتغال افراد در سنین بالا و همچنین زنان در بخش غیررسمی به ویژه زنان مجرد بیشتر می‌باشد. به لحاظ درآمد نیز شاغلان بخش رسمی دارای درآمدی بیش از شاغلین غیررسمی بوده‌اند.

برنابا^۹ (۲۰۰۲)، در مطالعه‌ای به بررسی اشتغال غیررسمی در کشورهای در حال گذار پرداخته است. نتایج

حقوق‌بگیران بخش عمومی بیشتر جذب مشاغل رسمی شده‌اند در حالی که مشارکت کارکنان مستقل و مزد و حقوق‌بگیران بخش خصوصی در اشتغال غیررسمی بیشتر می‌باشد.

احمدی شادمهری (۱۳۸۶)، در مقاله‌ی خود تحت عنوان "بررسی وضعیت شاغلان در بخش غیررسمی: مطالعه‌ی موردی شهرستان مشهد" به بررسی وضعیت شاغلین در بخش غیررسمی و ویژگی‌های آنها، علل و عوامل موثر بر آن و بررسی راه‌های مقابله با این پدیده در سطح شهر مشهد در سال ۱۳۸۱ در تحقیقی میدانی مبتنی بر تهیه و تنظیم پرسشنامه و تکمیل آنها از طریق نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده ساده و تجزیه و تحلیل توصیفی داده‌ها پرداخته است. نتایج حاصله نشان می‌دهد که به دلایل متعدد از جمله تمرکز این جمعیت در سنین بالا و اندکی نیز در سنین پایین، بی‌سواد یا کم‌سواد گسترده و عدم مهارت و تخصص مناسب، امکان حذف این مشاغل و جذب آنها در فعالیت‌های بخش رسمی اقتصاد که به نیروی انسانی با سواد و ماهر در سن مناسب نیازمند است، وجود ندارد. لذا سازماندهی اینگونه مشاغل از ابعاد مختلف می‌تواند اولاً عوارض منفی آنها را محدود ساخته و ثانیاً عوارض مثبت آنها را گسترش دهد.

نتایج حاصل از این تحقیق را می‌توان در چهار مورد کلی زیر خلاصه کرد:

- ۱) عمده شاغلان در این بخش در گروه‌های سنی بالا متمرکز شده اند (۶۷٪ بالای ۳۰ سال سن و ۳۸٪ بالای ۴۰ سال سن می‌باشند).
- ۲) اکثریت قریب به اتفاق شاغلین در این بخش یا بی‌سوادند (۲۴٪) و یا از سواد بسیار اندکی برخوردارند (۷۹٪).
- ۳) اکثریت شاغلان این فعالیت‌ها تخصص و مهارت کافی برای پرداختن به مشاغل دیگر را ندارند.
- ۴) عمده شاغلان در این بخش بخصوص افراد بالای ۴۰ سال سن افرادی هستند که از مناطق دیگر به شهر مشهد مهاجرت نموده اند (حدود ۶۱٪ افراد غیر بومی هستند).

کریمی موغاری (۱۳۹۰)، در مقاله خود با عنوان "قانون حداقل دستمزد و اشتغال غیررسمی در ایران" نشان می‌دهد که به رغم این واقعیت که متوسط سطح تحصیلات در میان زنان فعال بالاتر از مردان است، اما نسبت زنان در اشتغال غیررسمی بالاتر است. همچنین نسبت کارگران مرد در اشتغال غیررسمی نیز در دوره مورد بررسی بسیار سریع رشد یافته است. در سال ۱۳۸۷، یک چهارم مردان و یک

رنانی (۱۳۸۴)، در مقاله‌ای با عنوان "ساختار اشتغال در بخش غیررسمی ایران" می‌کوشد با تکیه بر تجربه مطالعه بخش غیررسمی در سایر کشورها و مطالعات و رهنمودهای سازمان بین‌المللی کار و مفهومی که این سازمان ارائه کرده است، همچنین با کاربرد یک روش تلفیقی و جدید برای شناخت ساختار بخش غیررسمی، تصویر واضحی از ساختار این بخش در کل کشور ارائه کند. در این مطالعه برای برآورد و محاسبه سهم اشتغال بخش غیررسمی ایران، از سه ویژگی مهم شغلی افراد یعنی شغل، نوع فعالیت و شرایط شغلی استفاده شده و برای هر وضع شغلی ماتریسی با عنوان شغل - فعالیت در نظر گرفته شده است. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که:

بارزترین ویژگی بازار کار غیررسمی، غلبه سهم مردان نسبت به زنان، روستاییان نسبت به شهری‌ها و افراد با سطح تحصیلات کمتر از دیپلم، نسبت به دارندگان مدارک دیپلم و بالاتر است. ساختار شاغلان غیررسمی در اقتصاد روستایی و شهری در فعالیت‌های کشاورزی شکل می‌گیرد. به طور کلی فعالیت‌های کشاورزی بیشتر از سایر فعالیت‌ها ساختار بخش غیررسمی را شکل می‌دهند. شاغلان بخش غیررسمی کشور با ویژگی‌های برشمرده شده در بخش کشاورزی بیش از سایر بخش‌های اقتصاد جذب می‌شوند.

رضوانی (۱۳۸۴)، در پایان نامه‌ی خود تحت عنوان "تحلیل اندازه و ساختار اشتغال غیررسمی شهری در استان قم" با استفاده از پرسشنامه‌های استاندارد سازمان بین‌المللی کار و تعدیل آنها بر اساس ویژگی‌های محلی جامعه مورد نظر، و با تعیین حجم نمونه قابل قبول بر اساس معیارهای آماری، به یک مطالعه میدانی با هدف تحلیل اندازه و ساختار اشتغال غیررسمی پرداخته است.

نمونه‌های پیمایش به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای سیستماتیک و به تعداد ۴۰۰ نمونه در کل شهر قم جمع‌آوری شده است. براساس این مطالعه: زنان در مقایسه با مردان، افراد زیر ۱۵ سال و بالای ۶۵ سال در مقایسه با شاغلین ۶۵ - ۱۵ ساله، شاغلینی که سرپرست خانوار نیستند در مقایسه با افراد سرپرست خانوار، افراد مجرد در مقایسه با افراد متأهل، افراد با تحصیلات زیر دیپلم در مقایسه با شاغلین با مدرک تحصیلی دیپلم و بالاتر، روستاییان در مقایسه با شهری‌ها، با احتمال بیشتری به سوی اشتغال غیررسمی سوق داده می‌شوند. مشخصه‌های سرپرست خانوار و تأهل در مقایسه با سایر ویژگی‌ها (جنسیت، تحصیلات، سن) برای سوق دادن افراد به فعالیت‌های رسمی (عدم ورود به مشاغل غیررسمی) مؤثرتر می‌باشند. افراد با وضعیت شغلی کارفرما و مزد و

سال این میزان مزد را به صورت ثابت دریافت کرده است یا نه، بنابراین درآمد یکسال گذشته آنان در این پژوهش برای تمامی شاغلان مزد و حقوق بگیر و خوداشتغالان به عنوان ملاک برخورداری از حداقل مزد یا درآمد (مزد قانونی تعیین شده به وسیله قانون کار) قرار داده می‌شود. افزون بر شاخص برخورداری از حداقل مزد، تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی بودن نیز یکی دیگر از شاخص‌های تعیین کننده اشتغال غیررسمی در این پژوهش است. بنابراین فرد شاغلی که از حداقل دستمزد یا بالاتر و بیمه‌های اجتماعی (بیمه‌های غیر درمانی تامین اجتماعی، حق بازنشستگی کارکنان مشمول خدمات درمانی، حق بیمه‌های غیردرمانی پرداختی توسط نهادها و سازمانها برای اشخاص و...) برخوردار باشد رسمی و در غیر این صورت اشتغال غیررسمی محسوب می‌گردد. آن دسته از افراد شاغل نمونه که از میزان حداقل دستمزد قانونی و یا درآمدهای بالا (برای خوداشتغالان) برخوردارند اما تحت پوشش هیچ نوع بیمه‌ای قرار ندارند غیررسمی به حساب آمده‌اند و بالعکس.

در پرسشنامه‌های طراحی شده مرکز آمار ایران به منظور جمع آوری اطلاعات هزینه-درآمد خانوار، مشخصات تمامی اعضای خانوار به تفکیک جنسیت، سن، وضعیت تاهل، میزان تحصیلات و گروه فعالیت شغلی درج می‌گردد. همچنین وضعیت اشتغال برای افراد ده ساله و بالاتر موجود است. در ادامه توزیع شاغلین رسمی و غیر رسمی به تفکیک ویژگی‌های شاغلین (جنسیت، سن، وضعیت تاهل، میزان تحصیلات و گروه فعالیت) در جداول (۱) تا (۶) آمده است. اشتغال غیررسمی در سال‌های ۱۳۸۰، ۱۳۸۷ و ۱۳۹۳، محاسبه و در جدول (۱) گزارش شده است. اشتغال غیررسمی در طی این دوره یک روند افزایشی را طی کرده است و از ۶۷/۱ درصد، در سال ۸۰، به ۶۸/۸ درصد در سال ۸۷ و به ۷۳/۹ درصد در سال ۹۳ رسیده است. به این ترتیب اشتغال غیررسمی در طی دوره مورد بررسی ۶/۸ درصد افزایش داشته است، همان طور که مشخص است در این دوره میزان اشتغال رسمی کاهش پیدا کرده است و تعداد مشاغل غیررسمی افزایش یافته است. بررسی وضعیت اشتغال غیررسمی بر حسب جنسیت نیز نشان دهنده این است که سهم اشتغال غیررسمی هم در بین مردان و هم در بین زنان، طی دوره مورد بررسی یک روند صعودی را طی کرده است. به طوری که تعداد مردان شاغل در مشاغل غیررسمی از ۶۹/۲ درصد در سال ۸۰ به ۷۰/۹ درصد در سال ۸۷ و ۷۶/۶ درصد در سال ۹۳ رسیده است. میزان اشتغال غیررسمی در بین زنان نیز، از ۱۲/۵ درصد در سال ۸۰ به ۴۵/۷ درصد در سال ۸۷ و به ۳۴/۶ درصد در سال

سوم زنان شاغل با مزدهای پایین‌تر از حداقل رسمی مشغول به کار بوده‌اند.

جهان تیغ (۱۳۹۳)، در پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد خود با عنوان "عوامل مؤثر بر اشتغال غیررسمی جوانان در ایران" به اندازه‌گیری اشتغال غیررسمی در میان مزد و حقوق‌بگیران جوان با توجه به تعریف سازمان بین‌المللی کار و بررسی عوامل مؤثر بر اشتغال غیررسمی با استفاده از مدل لاجیت در سال‌های ۸۰، ۸۵ و ۹۰ با استفاده از داده‌های مربوط به طرح هزینه - درآمد خانوار پرداخته است. برای اندازه‌گیری اشتغال غیررسمی از شاخص حداقل مزد استفاده کرده است. نتایج حاصل از پژوهش او نشان داده است که در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ نسبت اشتغال غیررسمی در میان جوانان شاغل مزدبگیر کاهش یافته است. نتایج تخمین مدل لاجیت نشان داده‌اند که در سال‌های مورد بررسی متغیرهای سن، جنس، مکان زندگی، وضعیت تاهل و نوع فعالیت تأثیر معناداری بر اشتغال غیررسمی دارند. افزایش سن، مرد بودن، شهری بودن و متأهل بودن احتمال اشتغال غیررسمی را کاهش می‌دهند. تأثیر سطح تحصیلات بر اشتغال غیررسمی از نظر آماری معنی‌دار نبوده است.

۵. روش تحقیق

۵-۱. نحوه محاسبه اشتغال غیررسمی

در میان مفاهیم مورد توجه برای بخش غیررسمی، به عدم برخورداری شاغلین این بخش از حمایت‌های شغلی اشاره شده است. این مفهوم، مورد توجه بانک جهانی بوده است و در این راستا می‌توان به بیمه‌های اجتماعی و حداقل دستمزد اشاره نمود. طبق تعریف هفدهمین کنفرانس آماردانان کار، شاغلین در صورتی جزء شاغلین بخش غیررسمی در نظر گرفته می‌شوند که اشتغال آنها رسماً یا عملاً به موضوع قوانین ملی کار، مالیات بر درآمد، حمایت اجتماعی یا برخورداری از مزایای اشتغال ارتباطی نداشته باشد. شاخص مورد استفاده برای تعیین اشتغال غیررسمی در این پژوهش برخورداری از حداقل دستمزد رسمی و بیمه‌های اجتماعی است (جهان تیغ ۱۳۹۳).

از آن جا که شاغلان طرح نمونه‌گیری هزینه-درآمد خانوار مرکز آمار به دو دسته شاغلان مزد و حقوق بگیر (بخش عمومی، تعاونی و خصوصی) و مشاغل آزاد (خوداشتغالان) در وضعیت‌های کارفرما، کارکن مستقل و کارکن فامیلی تقسیم‌بندی شده‌اند. برای هر یک از این افراد درآمد یکسال گذشته آنان و برای شاغلان مزد و حقوق بگیر، مزد دریافتی ماه گذشته وجود دارد. از آن جایی که مشخص نیست که شاغل مزد و حقوق بگیر نمونه در تمامی ماه‌های

۹۳ رسیده است. سهم کمتر زنان از بازار کار غیررسمی بازار کار شده‌اند، که امکان فعالیت در بخش رسمی را نشان دهنده این است که به طور کلی زنان، در صورتی وارد یافته‌اند.

جدول (۱): توزیع شاغلین رسمی و غیررسمی در بین کل شاغلین زن و مرد نمونه در مناطق شهری استان کردستان سال‌های ۱۳۸۰، ۱۳۸۷ و ۱۳۹۳

		اشتغال غیررسمی		اشتغال رسمی		جمع	
کل	تعداد	۱۴۷	۷۲	۲۱۹			
	درصد	۶۷/۱	۳۲/۹	۱۰۰			
مردان	تعداد	۱۴۶	۶۵	۲۱۱			سال ۱۳۸۰
	درصد	۶۹/۲	۳۰/۸	۱۰۰			
زنان	تعداد	۱	۷	۸			سال ۱۳۸۷
	درصد	۱۲/۵	۸۷/۵	۱۰۰			
کل	تعداد	۳۷۵	۱۷۰	۵۴۵			سال ۱۳۸۷
	درصد	۶۸/۸	۳۱/۲	۱۰۰			
مردان	تعداد	۳۵۴	۱۴۵	۴۹۹			سال ۱۳۸۷
	درصد	۷۰/۹	۲۹/۱	۱۰۰			
زنان	تعداد	۲۱	۲۵	۴۶			سال ۱۳۸۷
	درصد	۴۵/۶	۵۴/۴	۱۰۰			
کل	تعداد	۷۳/۹	۲۶/۱	۱۰۰			سال ۱۳۹۳
	درصد	۲۸/۸	۸۸	۳۷۶			
مردان	تعداد	۷۶/۶	۲۳/۴	۱۰۰			سال ۱۳۹۳
	درصد	۹	۱۷	۲۶			
زنان	تعداد	۳۴/۶	۶۵/۴	۱۰۰			سال ۱۳۹۳
	درصد						

منبع: محاسبات پژوهش بر اساس داده‌های دریافتی از مرکز آمار ایران

جدول (۲): توزیع شاغلین غیررسمی بر حسب سن در بین کل شاغلین غیررسمی زن و مرد نمونه در مناطق شهری استان کردستان سال‌های ۱۳۸۰، ۱۳۸۷ و ۱۳۹۳

		۲۰-۱۰	۳۰-۲۰	۴۰-۳۰	۵۰-۴۰	۶۰-۵۰	۶۰ به بالا	جمع
کل	تعداد	۵	۳۴	۳۷	۳۴	۱۶	۲۱	۱۴۷
	درصد	۳/۴	۲۳/۱	۲۵/۲	۲۳/۱	۱۰/۹	۱۴/۳	۱۰۰
مردان	تعداد	۵	۳۴	۳۶	۳۴	۱۶	۲۱	۱۴۶
	درصد	۳/۴	۲۳/۳	۲۴/۶	۲۳/۳	۱۰/۹	۱۴/۴	۱۰۰
زنان	تعداد	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱
	درصد	۰/۰	۰/۰	۱۰۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۱۰۰
کل	تعداد	۳۰	۱۰۶	۱۰۸	۵۸	۴۸	۲۵	۳۷۵
	درصد	۸	۲۸/۳	۲۸/۸	۱۵/۵	۱۲/۸	۶/۷	۱۰۰
مردان	تعداد	۲۸	۹۶	۱۰۲	۵۵	۴۸	۲۵	۳۵۴
	درصد	۷/۹	۲۷/۱	۲۸/۸	۱۵/۵	۱۳/۵	۷/۱	۱۰۰
زنان	تعداد	۲	۱۰	۶	۳	۰	۰	۲۱
	درصد	۹/۵	۴۷/۶	۲۸/۶	۱۴/۳	۰/۰	۰/۰	۱۰۰
کل	تعداد	۷	۱۰۳	۶۱	۶۰	۴۶	۲۰	۲۹۷
	درصد	۲/۳	۳۴/۷	۲۰/۵	۲۰/۲	۱۵/۵	۶/۷	۱۰۰
مردان	تعداد	۷	۱۰۰	۵۷	۵۸	۴۵	۲۰	۲۸۸
	درصد	۲/۴	۳۵/۱	۱۹/۸	۲۰/۱	۱۵/۶	۶/۹	۱۰۰
زنان	تعداد	۰	۲	۴	۲	۱	۰	۹
	درصد	۰/۰	۲۲/۲	۴۴/۴	۲۲/۲	۱۱/۱	۰/۰	۱۰۰

منبع: محاسبات پژوهش بر اساس داده‌های دریافتی از مرکز آمار ایران

محاسبات توزیع شاغلین غیررسمی بر حسب تحصیلات در جدول (۳) گزارش شده است. طبق جدول (۳) در سال ۸۰، بیشترین میزان اشتغال غیررسمی متعلق به افراد بی‌سواد بوده است با ۳۶/۰۵ درصد، که در بین مردان هم وضعیت به همین صورت بوده است. در این دوره کمترین میزان اشتغال غیررسمی متعلق به افراد با مدرک دانشگاهی با ۱/۴ درصد بوده است. در سال ۸۷ بیشترین میزان اشتغال غیررسمی متعلق به افراد با مدرک ابتدایی نمونه با ۳۷/۳ درصد بوده است؛ همچنین بیشترین میزان اشتغال غیررسمی در بین مردان نیز متعلق به همین مدرک تحصیلی با ۳۸/۴ درصد بوده است. کمترین میزان اشتغال غیررسمی در بین مردان و افراد کل نمونه مربوط به افراد با مدرک دانشگاهی به ترتیب با ۴ درصد و ۳/۱ درصد بوده است. کمترین میزان اشتغال غیررسمی در بین زنان نمونه متعلق به افراد با مدرک راهنمایی و بیشترین میزان، متعلق به افراد با مدرک تحصیلی دبیرستان بوده است. در سال ۹۳ بیشترین میزان اشتغال غیررسمی با ۳۵/۷ درصد متعلق به افراد با مدرک ابتدایی بوده است و کمترین میزان متعلق به افراد با مدرک دانشگاهی با ۷/۷ درصد بوده است. مردان با مدرک تحصیلی ابتدایی بیشترین میزان اشتغال غیررسمی را با ۳۶/۸ درصد به خود اختصاص داده‌اند و مردان با مدارک

توزیع شاغلین غیررسمی بر حسب سن، محاسبه و در جدول (۲) گزارش شده است. همانطور که از جدول (۲) مشخص است در سال ۸۰ بیشترین میزان اشتغال غیررسمی متعلق به گروه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال با ۲۵/۲ درصد بوده است و کمترین میزان اشتغال غیررسمی متعلق به گروه سنی ۱۰ تا ۲۰ ساله با ۳/۴ درصد بوده است. در سال ۸۰ تنها یک زن از کل زنان شاغل نمونه، اشتغال غیررسمی داشته است که آن هم در رده سنی ۳۰ تا ۴۰ سال قرار دارد. میزان اشتغال غیررسمی زنان در سال ۸۷ نسبت به سال ۸۰ افزایش یافته است و بیشترین آن متعلق به زنان با گروه سنی ۲۰ تا ۳۰ ساله، که با افزایش سن میزان اشتغال غیررسمی در بین زنان کاهش یافته است. در سال ۸۷ بیشترین میزان اشتغال غیررسمی متعلق به گروه سنی ۳۰ تا ۴۰ ساله بوده است. در بین مردان هم بیشترین میزان اشتغال غیررسمی متعلق به همین گروه سنی بوده است. در سال ۹۳، بیشترین میزان اشتغال غیررسمی متعلق به گروه سنی ۲۰ تا ۳۰ ساله بوده است. گروه سنی ۲۰ تا ۳۰ سال در بین مردان نمونه نیز بیشترین میزان اشتغال غیررسمی را به خود اختصاص داده‌اند. سهم زنان ۳۰ تا ۴۰ ساله از اشتغال غیررسمی بیشترین میزان در سال ۹۳ بوده است.

جدول (۳): توزیع شاغلین غیررسمی بر حسب تحصیلات در بین کل شاغلین غیررسمی زن و مرد نمونه در مناطق شهری استان کردستان سال‌های ۱۳۸۰، ۱۳۸۷ و ۱۳۹۳

جمع	دانشگاهی	دبیرستان	راهنمایی	ابتدایی	بی‌سواد	تعداد	درصد	
۱۴۷	۲	۲۸	۲۷	۳۷	۵۳	۱۴۷	۱۰۰	کل
۱۰۰	۱/۴	۱۹/۰۴	۱۸/۴	۲۵/۲	۳۶/۰۵	۱۰۰	۱۰۰	
۱۴۶	۲	۲۷	۲۷	۳۷	۵۳	۱۴۶	۱۰۰	
۱۰۰	۱/۴	۱۸/۵	۱۸/۵	۲۵/۳	۳۶/۳	۱۰۰	۱۰۰	مردان
۱	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱۰۰	
۱۰۰	۰/۰	۱۰۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۱۰۰	۱۰۰	
۳۷۵	۱۵	۷۹	۸۳	۱۴۰	۵۸	۳۷۵	۱۰۰	کل
۱۰۰	۴	۲۱/۱	۲۲/۱	۳۷/۳	۱۵/۵	۱۰۰	۱۰۰	
۳۵۴	۱۱	۷۳	۸۰	۱۳۶	۵۴	۳۵۴	۱۰۰	
۱۰۰	۳/۱	۲۰/۶	۲۲/۶	۳۸/۴	۱۵/۲	۱۰۰	۱۰۰	مردان
۲۱	۴	۶	۳	۴	۴	۲۱	۱۰۰	
۱۰۰	۱۹/۰۴	۲۸/۶	۱۴/۳	۱۹/۰۴	۱۹/۰۴	۱۰۰	۱۰۰	
۲۹۷	۲۳	۵۲	۷۰	۱۰۶	۴۵	۲۹۷	۱۰۰	کل
۱۰۰	۷/۷	۱۷/۸	۲۳/۶	۳۵/۷	۱۵/۱	۱۰۰	۱۰۰	
۲۸۸	۱۹	۵۲	۶۸	۱۰۶	۴۳	۲۸۸	۱۰۰	
۱۰۰	۶/۶	۱۸/۰۵	۲۳/۶	۲۳/۸	۱۴/۹	۱۰۰	۱۰۰	مردان
۹	۴	۱	۲	۰	۲	۹	۱۰۰	
۱۰۰	۴۴/۴	۱۱/۱	۲۲/۲	۰/۰	۲۲/۲	۱۰۰	۱۰۰	

منبع: محاسبات پژوهش بر اساس داده‌های دریافتی از مرکز آمار ایران

جدول (۴): توزیع شاغلین غیررسمی بر حسب وضعیت تاهل در بین کل شاغلین غیررسمی زن و مرد نمونه در مناطق شهری استان کردستان سال‌های ۱۳۸۰، ۱۳۸۷ و ۱۳۹۳

جمع	متاهل	مجرد			
۱۴۷	۱۳۰	۱۷	تعداد	کل	سال ۱۳۸۰
۱۰۰	۸۸/۴	۱۱/۶	درصد		
۱۴۶	۱۲۹	۱۷	تعداد	مردان	
۱۰۰	۸۸/۴	۱۱/۶	درصد		
۱	۱	۰	تعداد	زنان	
۱۰۰	۱۰۰	۰/۰	درصد		
۳۷۵	۲۸۰	۹۵	تعداد	کل	سال ۱۳۸۷
۱۰۰	۷۴/۷	۲۵/۳	درصد		
۳۵۴	۲۶۸	۸۶	تعداد	مردان	
۱۰۰	۷۵/۷	۲۴/۳	درصد		
۲۱	۱۲	۹	تعداد	زنان	
۱۰۰	۵۷/۱	۴۲/۸	درصد		
۲۹۷	۲۲۲	۷۵	تعداد	کل	سال ۱۳۹۳
۱۰۰	۷۴/۷	۲۵/۲	درصد		
۲۸۸	۲۱۷	۷۱	تعداد	مردان	
۱۰۰	۷۵/۴	۲۴/۶	درصد		
۹	۵	۴	تعداد	زنان	
۱۰۰	۵۵/۵	۴۴/۵	درصد		

منبع: محاسبات پژوهش بر اساس داده‌های دریافتی از مرکز آمار ایران

۱۱/۶ درصد در سال ۸۰ به ۲۵/۳ درصد در سال ۸۷ رسیده است و میزان شاغلین غیررسمی متاهل کاهش یافته و از ۸۸/۴ درصد در سال ۸۰ به ۷۴/۷ درصد در سال ۸۷ رسیده است. میزان شاغلین غیررسمی مجرد و متاهل در سال ۹۳ نسبت به سال ۸۷ تقریباً ثابت بوده است.

جدول (۵) توزیع شاغلین غیررسمی در سال‌های ۸۰، ۸۷ و ۹۳ را به تفکیک جنسیت و نوع فعالیت نشان می‌دهد. توزیع کل شاغلین نمونه بر حسب نوع فعالیت آنها بر طبق کدهای طبقه‌بندی شده چهار رقمی ISIC^{۱۲} ارائه شده است. از آنجایی که تعداد افراد نمونه کم و در برخی فعالیت‌های خدماتی تعداد شاغلان بسیار کم یا صفر بود لذا در فعالیت‌هایی از قبیل (فعالیت‌های خدمات عمومی و اجتماعی و شخصی، سازمانها و هیئت‌های برون مرزی، دفاتر مرکزی و ۰۰۰) با عنوان سایر خدمات باهم جمع شده‌اند. همچنین در نمونه مورد بررسی در این پژوهش از آن جایی مناطق شهری استان کردستان را مورد مطالعه قرار داده است، بنابراین میزان فعالیت‌های کشاورزی و استخراج و معدن موجود در نمونه صفر بود، بنابراین در هر سه سال از جدول حذف شده‌اند و بخش صنایع و معادن، تنها شامل فعالیت‌های صنعتی و ساختمانی است. از این رو میزان اشتغال غیررسمی در بخش‌های صنعت و ساختمان و خدمات مورد بررسی قرار گرفته است. بیشترین تعداد

دانشگاهی کمترین میزان اشتغال غیررسمی با ۶/۶ درصد را داشته‌اند. در سال ۹۳ زنان با مدرک دانشگاهی بیشترین میزان اشتغال غیررسمی را به خود اختصاص داده‌اند و کمترین میزان اشتغال غیررسمی در بین زنان با مدرک تحصیلی ابتدایی بوده است. به طور کلی بیشترین تعداد زنان وارد شده به بازار، زنان با مدرک تحصیلی بالا (تحصیلات دانشگاهی) بودند که بیشتر آنان نیز در بخش رسمی فعالیت داشتند. در این میان آن دسته از زنان با مدارک تحصیلی بالا که موفق به یافتن شغل در بخش رسمی نشده‌اند، مشاغل غیررسمی را پذیرفته‌اند. در طی دوره مورد بررسی میزان اشتغال غیررسمی در بین افراد با مدرک تحصیلی دانشگاهی افزایش داشته و از ۱/۴ درصد در سال ۸۰ به ۴ درصد در سال ۸۷ و به ۷/۷ درصد در سال ۹۳ رسیده است. اشتغال غیررسمی در بین افراد بی‌سواد نمونه هم کاهش پیدا کرده، به طوری که از ۳۶/۰۵ درصد در ابتدای دوره به ۱۵/۱ درصد در انتهای دوره رسیده است.

توزیع شاغلین غیررسمی بر حسب وضع تاهل محاسبه و در جدول (۴) گزارش شده‌است. مطابق با محاسبات این جدول، میزان اشتغال غیررسمی در بین افراد متاهل نمونه در سال ۸۰ بیشترین میزان بوده است و در بین افراد مجرد کمترین میزان بوده است. اما در سال ۸۷ میزان افراد شاغل به اشتغال غیررسمی در بین مجردین افزایش یافته و از

جدول (۵): توزیع شاغلین غیررسمی بر حسب نوع فعالیت در بین کل شاغلین غیررسمی زن و مرد نمونه در مناطق شهری استان کردستان سال‌های ۱۳۸۰، ۱۳۸۷ و ۱۳۹۳

		خدمات											
		سایر خدمات	بهداشت	آموزش	اداره دفاع و تأمین اجتماعی	مستغلات	واسطه‌گری‌های مالی	حمل و نقل	هتل و رستوران	عمده‌فروشی	ساخت‌مان	صنعت و معدن	جمع
سال ۱۳۸۰	کل	۱۹	۵۲	۴۸	۲	۱۳	۱	۱۳	۲	۴۸	۵۲	۱۹	تعداد
	مردان	۱۲/۹	۳۵/۴	۳۲/۶	۱/۴	۸/۸	۰/۹	۸/۸	۱/۴	۳۲/۶	۳۵/۴	۱۲/۹	درصد
	زنان	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	تعداد
سال ۱۳۸۷	کل	۴۹	۹۹	۱۰۷	۷	۷۹	۰	۷۹	۷	۱۰۷	۹۹	۴۹	تعداد
	مردان	۱۳/۱	۲۶/۴	۲۸/۵	۱/۹	۲۱/۱	۰	۲۱/۱	۱/۹	۲۸/۵	۲۶/۴	۱۳/۱	درصد
	زنان	۰	۰	۱۴۳	۰	۰	۰	۰	۰	۱۴۳	۰	۰	تعداد
سال ۱۳۹۳	کل	۱۵	۱۰۷	۸۷	۶	۴۶	۱	۴۶	۶	۸۷	۱۰۷	۱۵	تعداد
	مردان	۴/۹	۸/۳۶	۲۹/۹	۲/۱	۱۵/۹	۰/۳	۱۵/۹	۲/۱	۲۹/۹	۸/۳۶	۴/۹	درصد
	زنان	۱	۱	۱	۳	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	تعداد
		۱۱/۱	۱۱/۱	۱۱/۱	۳۳/۳	۰	۰	۰	۰	۱۱/۱	۱۱/۱	۱۱/۱	درصد

منبع: محاسبات پژوهش بر اساس داده‌های دریافتی از مرکز آمار ایران

به طور کلی در سال ۸۰، ۸۵/۵ درصد از فعالیت‌های بخش صنعت و ۵۵/۹ درصد از فعالیت‌های بخش خدمات، متعلق به بخش غیررسمی بوده است. اما به دلیل اینکه بخش صنعت سهم کمتری از اشتغال کل را داراست، سهم آن از کل اشتغال غیررسمی ۴۸/۳ درصد و سهم بخش خدمات از کل اشتغال غیررسمی ۵۱/۷ درصد بوده است. در سال ۸۷، ۸۳/۱ درصد از فعالیت‌های بخش صنعت و ۶۱/۸ درصد از فعالیت‌های بخش خدمات، متعلق به بخش غیررسمی بوده است. سهم بخش صنعت از کل اشتغال غیررسمی، ۳۹/۵ درصد و سهم بخش خدمات ۶۰/۵ درصد بوده است. در سال ۹۳، ۹۱/۰۴ درصد از فعالیت‌های بخش صنعت و ۶۵/۳ درصد از فعالیت‌های بخش خدمات متعلق به بخش غیررسمی بوده است. سهم بخش صنعت از کل اشتغال غیررسمی ۴۱/۱ درصد و سهم بخش خدمات ۵۸/۹ درصد بوده است.

شاغلین غیررسمی مرد در فعالیت‌های ساختمانی، عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، صنعت و حمل و نقل فعالیت داشته‌اند. زنان شاغل در بخش غیررسمی بیشتر در بخش خدمات فعال بوده‌اند، اما در سال ۸۷ بیشترین میزان زنان شاغل غیررسمی در فعالیت‌های صنعتی به کار اشتغال داشته‌اند.

در جدول (۶) سهم بخش‌های اقتصادی از اشتغال غیررسمی ارائه شده است. همانطور که از نتایج جدول (۶) می‌توان استنباط کرد، سهم بخش خدمات از کل اشتغال در هر سه سال بیش از ۶۰ درصد بوده است. اما به دلیل ماهیت فعالیت‌های این بخش، سهم کمتری از اشتغال غیررسمی را به خود اختصاص داده است. در فعالیت‌هایی همچون آموزش، بهداشت، واسطه‌گری‌های مالی (بخش کمی از کل اشتغال را نیز داراست) و غیره سهم بخش غیررسمی بسیار کم و در برخی موارد صفر است. اما سهم بزرگی از فعالیت‌هایی همچون عمده‌فروشی و خرده‌فروشی و حمل و نقل در بخش خدمات، متعلق به بخش غیررسمی بوده است.

جدول (۶): سهم بخش های مختلف اقتصادی از اشتغال غیررسمی در مناطق شهری استان کردستان سال های ۱۳۸۰، ۱۳۸۷ و ۱۳۹۳

جمع	خدمات	صنایع و معادن	
۲۱۹	۱۳۶	۸۳	کل شاغلین
۱۰۰	۶۲/۱	۳۷/۹	سهم بخش از کل اشتغال
۱۴۷	۷۶	۷۱	تعداد شاغلین غیررسمی
۶۷/۱	۵۵/۹	۸۵/۵	میزان اشتغال غیررسمی از بخش
۱۰۰	۵۱/۷	۴۸/۳	سهم بخش از کل اشتغال غیررسمی
۵۴۵	۳۶۷	۱۷۸	کل شاغلین
۱۰۰	۶۷/۳	۳۲/۷	سهم بخش از کل اشتغال
۳۷۵	۲۲۷	۱۴۸	تعداد شاغلین غیررسمی
۶۸/۸	۶۱/۸	۸۳/۱	میزان اشتغال غیررسمی از بخش
۱۰۰	۶۰/۵	۳۹/۵	سهم بخش از کل اشتغال غیررسمی
۴۰۲	۲۶۸	۱۳۴	کل شاغلین
۱۰۰	۶۶/۷	۳۳/۳	سهم بخش از کل اشتغال
۲۹۷	۱۷۵	۱۲۲	تعداد شاغلین غیررسمی
۷۳/۹	۶۵/۳	۹۱/۰۴	میزان اشتغال غیررسمی از بخش
۱۰۰	۵۸/۹	۴۱/۱	سهم بخش از کل اشتغال غیررسمی

منبع: محاسبات پژوهش بر اساس داده های دریافتی از مرکز آمار ایران

۵-۲. روش برآورد مدل

در این مقاله تاثیر هر یک از ویژگی های شاغلان (جنسیت، سن، وضعیت تاهل، میزان تحصیلات و گروه فعالیت) بر احتمال حضور آنان در بخش غیررسمی با استفاده از مدل رگرسیون لجستیک با متغیر وابسته کیفی بررسی می شود. در رگرسیون لجستیک، چند متغیر مستقل وجود دارد که براساس آنها می توان احتمال هر یک از سطوح متغیر دو حالتی وابسته را محاسبه نمود. به عبارتی با استفاده از رگرسیون لجستیک و براساس متغیرهای مستقل، می توان احتمال وقوع هر یک از سطوح متغیر کیفی دو حالتی را محاسبه کرد. رگرسیون لجستیک یکی از تکنیک های کاربردی برای تحلیل داده های طبقه بندی شده است. به عنوان نمونه اگر نتیجه آزمایشی را به صورت برد / باخت تعریف کنیم، در این حالت متغیر پاسخ دیگر پیوسته نبوده، بلکه به صورت طبقه بندی شده خواهد بود. یکی از اقسام رگرسیون لجستیک، مدل رگرسیون لجستیک دوتایی بوده که تعداد طبقه بندی های متغیر پاسخ در این مدل دوتا است. اگر این تعداد طبقه بندی ها بیش از دو تا باشد، آنگاه با توجه به جنس متغیر پاسخ (یعنی اسمی و ترتیبی) مدل های رگرسیون لجستیک اسمی و ترتیبی حاصل می شود. رگرسیون لجستیک بر پایه تابعی به همین نام و به ترتیب زیر قرار گرفته است:

(۱)

$$P_i = F(Z_i) = \frac{1}{1 + e^{-Z_i}}$$

این تابع برای تمام مقادیر دلخواه Z مقادیری بین صفر تا یک را اختیار می نماید. همچنین خصوصیت تابع مزبور است که آن را برای مدل نمودن احتمال وقوع پدیده مورد نظر مناسب نموده است. بطور هندسی مدل مورد احتیاج ما چیزی شبیه به شکل S می باشد، باید توجه داشت که در این مدل احتمال فوق بین صفر و یک قرار می گیرد و نیز احتمال به طور غیر خطی با X تغییر میکند. در مدل لجستیک Z خود تابعی خطی از متغیرهای مختلفی است که بر وقوع پدیده مورد بررسی اثر دارد. در این صورت رابطه زیر برقرار خواهد بود:

(۲)

$$Z_i = \alpha + \beta_1 X_1 + \beta_2 X_2 + \dots + \beta_n X_n$$

در واقع هدف اصلی رگرسیون لجستیک تعیین پارامترهای $\alpha, \beta_1, \beta_2, \dots, \beta_n$ است و با تعیین آنها با قرار دادن مقدار Z در تابع لجستیک می توان رابطه زیر را بدست آورد:

(۳)

$$P_i = F(Z_i) = \frac{1}{1 + e^{-Z_i}} = \frac{1}{1 + e^{-(\alpha + \sum_{i=1}^n \beta_i X_i)}}$$

۶. یافته‌های تحقیق

برآزش مدل لاجیت (رابطه ۴) برای سال‌های ۱۳۸۰، ۱۳۸۷ و ۱۳۹۳ به صورت جداگانه انجام گرفته و در جدول (۹) به شرح زیر گزارش شده است. قبل از آن وجود واریانس همسانی برای تمامی داده‌ها در هر سه سال ۱۳۸۰، ۱۳۸۷ و ۱۳۹۳ بررسی گردیده است.

برای بررسی بود یا نبود ناهمسانی واریانس در الگوهای لوجیت و پروبیت نمی‌توان از روش‌های معمول همچون آزمون برویوش-پاگان، وایت و گلدفلد-کوانت بهره برد. دیوید سن و مک‌کینون^{۱۳}، آماره‌ای تحت عنوان آماره LM برای آزمون ناهمسانی واریانس در الگوهای لوجیت و پروبیت ارائه کردند. این آماره متکی به روش LM است و در آن یک رگرسیون تصنعی با استفاده از نتایج برآوردهای الگوی لاجیت یا پروبیت شکل گرفته و این رگرسیون تصنعی برای آزمون ناهمسانی واریانس مورد استفاده قرار می‌گیرد (ویستر، ۱۹۹۹). نتیجه این آزمون در جدول (۸) ارائه شده است.

جدول (۸): نتایج آزمون ناهمسانی واریانس

آزمون LM	سال ۸۰	سال ۸۷	سال ۹۳
مقدار آماره آزمون	۰/۸۴۱	۱/۴۱۶	۱۰/۱۵
سطح احتمال	۰/۳۵۹	۰/۲۳۴	۰/۰۰۱۴
نتیجه	ندارد	ندارد	دارد

منبع: یافته‌های تحقیق

مطابق با جدول (۸) مقدار آماره آزمون در سال ۱۳۸۰، برابر با ۰/۸۴ و ارزش احتمال آن برابر با ۰/۳۵ شده است. از این رو فرض وجود واریانس همسانی در برآورد الگو برای سال ۱۳۸۰ پذیرفته می‌شود. در سال ۱۳۸۷، نیز طبق نتایج بدست آمده، وجود واریانس همسانی در مدل پذیرفته شد. ولی در سال ۱۳۹۳، مقدار آماره آزمون برابر با ۱۰/۱۵ و ارزش احتمال آن ۰/۰۰۱ است. بنابراین فرض وجود واریانس همسانی در مدل رد و از این رو برای برطرف کردن آن از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS)، استفاده شده است.

یکی از معیارهای موجود برای بررسی معناداری مدل (صفر نبودن کلیه ضرایب)، احتمال آماره LR (این آماره به منظور بررسی معناداری مدل رگرسیون لاجیت استفاده می‌شود) است. مقدار احتمال آماره LR در هر سه سال برابر صفر بود و چون کمتر از ۰/۰۱ است، نشان دهنده آن است که در سطح ۹۹ درصد، فرضیه صفر مبنی بر صفر بودن کلیه ضرایب رد شده و در نتیجه رگرسیون تخمین زده شده

بدین ترتیب هر چه مقدار تابع مذکور به یک نزدیکتر باشد ریسک وقوع اتفاق مورد نظر بیشتر است و بالعکس هر چه مقدار تابع به صفر نزدیکتر باشد ریسک آن کمتر خواهد بود. اگر نگاهی مجدد به تابع لجستیک بیاندازیم متوجه می‌شویم که تابع مزبور ابتدا تغییرات کمی دارد ولی پس از یک مقدار مشخصی از Z تغییرات سریع می‌شود و تابع به ناگهان سیر صعودی شدیدی به خود می‌گیرد. این مقدار را مقدار آستانه می‌گویند (گجراتی، ۱۳۹۶).

۵-۳. الگوی تحقیق

شکل کلی مدل پیشنهادی این مقاله به صورت زیر است:
(۴)

$$IE_i = \beta_0 + \beta_1 Age_i + \beta_2 Age_i^2 + \beta_3 S_i + \beta_4 Ed_i + \beta_5 M_i + \beta_6 Act_i + \varepsilon_i$$

که در آن، IE به عنوان متغیر وابسته (کیفی) بیانگر اشتغال رسمی (با کد یک) و اشتغال غیررسمی (با کد صفر) است. همچنین Age، Age²، S، Ed، M، Act به ترتیب بیانگر سن، مجذور سن، جنسیت، سطح سواد، وضعیت تاهل و نوع فعالیت افراد نمونه در بخش‌های مختلف اقتصادی (صنعت و معدن، ساختمان و خدمات) است. در مدل مورد استفاده در این پژوهش، متغیر سن به صورت یک تابع درجه دو در نظر گرفته شده است. دلیل این مسئله تاثیر متفاوت سن افراد در قابلیت رسمی شدن آنهاست. همان طور که مشخص است، احتمال حضور در بخش غیررسمی برای افرادی که در سنین پایین وارد بازار کار می‌شوند (به خصوص پیش از سن قانونی کار) بیشتر است، اما این احتمال به مرور با افزایش سن افراد کاهش می‌یابد و احتمال رسمی شدن تقویت می‌شود. از سوی دیگر، احتمال غیررسمی شدن برای افراد مسن (به خصوص افرادی که پس از بازنشستگی به شغل دیگری مشغول می‌شوند) نیز بیشتر از افراد میانسال است. بنابراین از یک محدوده سنی به بعد، افزایش سن باعث تقویت احتمال غیررسمی شدن می‌شود.

جدول (۷): شرح متغیرهای مدل

متغیر	شرح متغیر	نوع متغیر
Age	سن	کمی گسسته
S	جنس	مجازی (زن کد صفر و مرد کد یک)
Ed	تحصیلات	کمی گسسته
M	وضعیت تاهل افراد	مجازی (مجرد کد صفر و متأهل کد یک)
Act	نوع فعالیت (صنعت یا خدمات)	مجازی (خدمات کد صفر و صنعت کد یک)

جدول (۹): نتایج تخمین الگوی تحقیق با روش لاجیت

متغیرهای توضیحی	سال ۱۳۸۰			سال ۱۳۸۷			سال ۱۳۹۳		
	ضرایب	سطح احتمال	اثر نهایی	ضرایب	سطح احتمال	اثر نهایی	ضرایب	سطح احتمال	اثر نهایی
سن	-۰/۲۹۲	۰/۰۰۸	-۰/۰۴۱	-۰/۲۸۳	۰/۰۰۰	-۰/۰۵۶	-۰/۰۶۸	۰/۰۰۰	-۰/۰۲۱
مجذور سن	۰/۰۰۳	۰/۰۱۵	۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰۵	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰۲
جنسیت	۱/۴۰۳	۰/۲۱۱	۰/۱۱۴	۰/۵۸۵	۰/۱۶۶	۰/۱۱۵	-۰/۰۶۹	۰/۱۸۶	-۰/۰۲۱
تحصیلات	-۰/۱۹۱	۰/۰۰۰	-۰/۰۲۷	-۰/۲۶۴	۰/۰۰۰	-۰/۰۵۲	-۰/۰۴۶	۰/۰۰۰	-۰/۰۱۴
وضعیت تاهل	-۰/۱۶۳	۰/۸۲۶	-۰/۰۲۶	۱/۳۵۴	۰/۰۰۶	-۰/۲۴۶	-۰/۱۵۸	۰/۰۴۴	-۰/۰۴۸
نوع فعالیت	۰/۸۶۹	۰/۰۰۳	۰/۱۳۱	۰/۱۲۸	-۰/۰۲۶	۰/۰۲۵	۰/۱۸۳	۰/۰۰۶	-۰/۰۵۵
McFadden R-squared	۰/۲۴۱			۰/۳۲۳			۰/۳۵۳		
LR statistic	۶۶/۸			۲۱۸/۲			۳۵/۹		
Prob(LR statistic)	۰/۰۰۰			۰/۰۰۰			۰/۰۰۰		

منبع: یافته‌های تحقیق

چند دسته تقسیم‌بندی شده‌اند منظور از واحد، گره یا رتبه یا کلاس و یا درجه است) تغییر کند، متغیر وابسته به چه میزان تغییر می‌نماید. با این توضیح می‌توان اظهار داشت که با افزایش یک واحدی در تحصیلات افراد شاغل در سال‌های ۱۳۸۰، ۱۳۸۷ و ۱۳۹۳ احتمال حضور در بخش غیررسمی به ترتیب به میزان ۲/۷، ۵/۱ و ۱/۳ درصد کاهش می‌یابد. همچنین متاهل بودن نسبت به مجرد بودن در سال ۱۳۸۰ باعث کاهش ۰/۰۲۶ درصدی در احتمال ورود شاغلین به بخش غیررسمی می‌شود. این اثر در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۹۳ به ترتیب برابر با ۰/۲۴۶ و ۰/۰۴۸ درصد می‌باشد. با افزایش یک واحد به سن افراد شاغل، احتمال ورود آنان به بخش غیررسمی در سال ۱۳۸۰ به میزان ۰/۰۴۱ درصد، در سال ۱۳۸۷ به میزان ۰/۰۵۶ درصد و در سال ۱۳۹۳ به میزان ۰/۰۲۱ درصد کاهش می‌یابد. اما با توجه به رابطه غیرخطی متغیر سن با اشتغال غیررسمی از یک دوره سنی به بعد (نقطه بازگشت سن)، افزایش سن احتمال ورود به بخش غیررسمی را ۰/۰۰۰۴ درصد در سال ۱۳۸۰، ۰/۰۰۰۵ درصد در سال ۱۳۸۷ و ۰/۰۰۰۲ درصد در سال ۱۳۹۳ افزایش می‌دهد. همچنین، مقدار اثر نهایی متغیر نوع فعالیت نشان می‌دهد که تغییر آن از صفر (فعالیت در بخش خدمات) به یک (فعالیت در بخش صنعت و معدن) در سال ۱۳۸۰ سبب افزایش ۰/۱۳ درصدی در احتمال ورود به بخش غیررسمی می‌شود. در سال ۱۳۸۷ این عامل سبب افزایش ۳/۵ درصدی و در سال ۱۳۹۳ سبب افزایش ۵/۵ درصدی در احتمال ورود شاغلین به بخش غیررسمی می‌شود.

معنادار است. در مدل‌های لاجیت، ضریب تعیین معمول وجود ندارد و به جای آن ضریب تعیین مک فادن می‌آید. مقدار آماره مک فادن بین صفر و یک تغییر می‌نماید و به خوبی برآزش مدل را اندازه‌گیری می‌نماید. ضریب تعیین مک فادن برای سال ۱۳۸۰، ۰/۲۴۱ و برای سال ۱۳۸۷، ۰/۳۲۳ است که نشان می‌دهد، برای اشتغال غیررسمی متغیرهای شناسایی شده در سال ۱۳۸۰، به اندازه ۲۴/۱ درصد و در سال ۱۳۸۷، به اندازه ۳۲/۳ درصد بر اشتغال غیررسمی اثرگذارند. مقدار این آماره برای سال ۱۳۹۳، نیز برابر با ۰/۳۵۳ است.

مطابق با نتایج جدول (۹)، متغیرهای سن، میزان تحصیلات، وضعیت تاهل (بجز در سال ۱۳۸۰) و نوع فعالیت، از لحاظ آماری معنادار است. با توجه به مثبت شدن ضریب متغیر سن و مجذور آن می‌توان گفت که سن رابطه غیرخطی (u شکل) با اشتغال غیررسمی دارد، به طوری که نقطه بازگشت سن برای سال ۱۳۸۰، ۴۷/۱ سال، برای سال ۱۳۸۷، ۵۱/۸ سال و برای سال ۱۳۹۳، ۴۵/۵ سال بدست آمده است. میزان تحصیلات و وضعیت تاهل دارای اثر منفی و نوع فعالیت دارای اثر مثبت بر اشتغال غیررسمی است. ولی متغیر جنسیت، از لحاظ آماری با اثری معنادار همراه نیست. این عامل به دلیل اهمیتش در مبانی نظری، از مدل حذف نشده است.

شایان ذکر است، در برآورد الگوی پژوهش با لاجیت، ضرایب برآوردی اولیه فقط علائم تأثیر متغیرهای توضیحی را بر احتمال پذیرش متغیر وابسته نشان داده ولی تفسیر مقداری ندارد. از این رو لازم است تا اثرات نهایی مورد تفسیر قرار گیرد. این اثر نشان می‌دهد که هرگاه متغیر مورد نظر به اندازه یک واحد (در مورد متغیرهای کیفی که به

۷. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

است. هر چند انتظار می‌رود که اشتغال غیررسمی در فعالیت‌های خدماتی بیش از بخش صنعت باشد، اما این نتیجه نیز، با توجه به وضعیت بازار کار استان کردستان، منطقی است. زیرا در استان کردستان اشتغال غیررسمی در فعالیت‌های ساختمانی و صنعت بسیار گسترده‌تر از سایر بخش‌ها است.

در مجموع با توجه به گسترش اشتغال غیررسمی در دوره مورد بررسی در استان کردستان، و محرومیت شاغلین غیررسمی از چتر حمایتی قانون کار و افزایش احتمال فقر در میان این گروه، پیشنهاد می‌شود تا نخست، شناسایی قابلیت‌ها و توانایی‌های اقتصادی استان کردستان جهت افزایش سرمایه‌گذاری و توسعه بخش رسمی صورت پذیرد. دوم، با اولویت دادن به طرح‌های اشتغال‌زا به افزایش اشتغال رسمی کمک شود. سوم، با توجه به اینکه گسترش گردشگری در شهرهای استان از مهم‌ترین راهکارهای ایجاد رونق اقتصادی و جلب سرمایه و ایجاد اشتغال رسمی در استان است؛ باید با معرفی جاذبه‌های طبیعی استان و تبلیغ و ترویج صنایع دستی، آداب و رسوم، و برگزاری جشنها و مراسم سنتی در ایام مختلف سال، برای جذب گردشگران داخلی و خارجی اقدامات شایسته صورت گیرد. چهارم، همراه با نظارت موثر بر اجرای صحیح قانون کار در جهت بهبود حقوق و حمایت از کارگران بخش غیررسمی در گسترش چتر حمایت‌های اجتماعی اقدام شود.

منابع و مآخذ

اثر اشتغال غیررسمی بر منابع مالی تامین اجتماعی (مطالعه موردی: مناطق شهری استان کردستان) / زریان احمدی به راهنمایی زهرا کریمی موغاری و مشاوره شهریار زروکی، کارشناسی ارشد (دانشگاه مازندران، دانشکده علوم اقتصادی و اداری)؛ ۱۳۹۵.

احمدی شادمهری، محمدطاهر. ۱۳۸۶. بررسی وضعیت شاغلان در بخش غیررسمی (مطالعه موردی شهرستان مشهد). مجله دانش و توسعه، شماره ۲۱.

بختیاری، صادق و خوب خواهی، خجسته. ۱۳۹۰. اشتغال در بازار کار غیررسمی و عوامل مؤثر بر آن. دو فصلنامه جستارهای اقتصادی، شماره ۸.

توماس، ریسکاوویچ. و وینچز سیتو. ۱۳۷۶. اقتصاد غیررسمی. ترجمه‌ی منوچهر نوربخش و کامران سپهری. مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.

عوامل مؤثر بر اشتغال غیررسمی جوانان در ایران/ الهام جهان‌تیبغ. پایان نامه کارشناسی ارشد (دانشگاه مازندران، دانشکده علوم اقتصادی و اداری)؛ ۱۳۹۲.

با توجه به رشد چشمگیر اشتغال غیررسمی در دهه اخیر در کشور و نبود فرصت‌های شغلی مناسب در بخش رسمی برای نیروی کار، مطالعه و بررسی ساختار اشتغال در مناطق مختلف کشور به منظور شناخت ویژگی‌ها و توان اقتصادی این مناطق در برنامه‌ریزی‌های کلان کشوری اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. محاسبات اشتغال غیررسمی در استان کردستان در دوره مورد بررسی حاکی از آن است که اشتغال غیررسمی در فاصله سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۳ در مناطق شهری استان کردستان افزایش یافته و از ۶۷/۱ به ۷۳/۸ درصد رسیده است. در این بین بیشترین سهم از اشتغال غیررسمی، متعلق به مردان بوده است، به طوری که اشتغال غیررسمی در میان مردان رشد ۷/۴ درصدی را از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۳ تجربه کرده است. سهم زنان شاغل از بخش غیررسمی و به طور کلی از اشتغال کل، کمتر از مردان بوده است. با آن که کل جمعیت زنان نمونه در طی دوره مورد بررسی، برابر و حتی بیشتر از مردان نمونه بوده است، اما در هر سه مقطع مورد بررسی، بیش از نیمی از زنان، غیرفعال و خانه‌دار بوده‌اند و تعداد محدود زنان فعال در نمونه، عموماً افرادی بوده‌اند که دارای مدارک تحصیلی دانشگاهی بوده و در بخش رسمی شاغل بوده‌اند.

در بررسی عوامل مؤثر بر احتمال اشتغال غیررسمی در بین شاغلین استان، برآورد الگو با روش لاجیت نشان می‌دهد که سواد، سن، وضعیت تاهل و نوع فعالیت به طور معناداری بر احتمال وجود اشتغال غیررسمی مؤثر است. همچنین جنسیت در اشتغال غیررسمی معنادار نیست. نرخ پائین مشارکت زنان در استان کردستان نشانگر آن است که تا کنون در جهت استفاده از پتانسیل و نیروی کار زنان استان اقدام موثری صورت نگرفته است. از همین رو متغیر جنسیت دارای اثر معنادار نیست. به طور جزئی‌تر با افزایش سن، احتمال ورود به بخش غیررسمی، کاهش می‌یابد، اما از یک رده سنی به بعد (نقطه بازگشت سن) انتظار بر سنین پس از بازنشستگی، احتمال حضور در بخش غیررسمی تقویت می‌شود. اثر سواد بر اشتغال غیررسمی، منفی است. به این صورت که با افزایش تحصیلات، احتمال ورود به بخش رسمی افزایش می‌یابد و احتمال اشتغال در بخش غیررسمی کاهش می‌یابد. احتمال اشتغال غیررسمی در بین مجردین بیشتر از افراد متاهل می‌باشد. این نتیجه در سال ۱۳۸۰ تایید نشده است، ولی در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۹۳، احتمال اشتغال در بخش غیررسمی برای افراد متاهل کمتر است. همچنین احتمال اشتغال غیررسمی، برای افراد شاغل در بخش صنعت نسبت به شاغلین بخش خدمات بیشتر

International Labour Office (2000). Resolution concerning statistics of employment in the informal sector. adapted by the Fifteenth International Conference of Labour Statisticians – Lubell, H. The informal sector in the 1980 s and 1990 s. Paris. OECD Development Center.

International Labour Office (2002). Decent Work and the Informal Economy. Report of the Director – General; International Labour Conference, 90th Session; Report VI; International Labour Office, Geneva, 2002.

International Labour organization. (1972). Employment, incomes and equality: A strategy for increasing productive employment in Kenya. Geneva: ILO.

یادداشت‌ها

¹ Informal Sector

² Bengaser

³ Segmented Labor Market

⁴ Intrnational Labour Office (ILO)

⁵ Kit Hart

⁶ Sethuraman

⁷ Mazumdar

⁸ Funkhouser

⁹ Bernabe

¹⁰ Henley & Arabsheibani

¹¹ Gunther & Launov

¹² *International Standard Industrial Classification of All Economic Activities*

^{۱۳} در برآورد الگو برای سال ۱۳۹۳، بدلیل وجود واریانس ناهمسانی (مطابق با جدول ۸) از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) در برآورد الگو استفاده شده است.

بررسی اندازه و ساختار اشتغال غیررسمی شهری در استان قم/ سید عارف رضوانی، کارشناسی ارشد (دانشگاه اصفهان)؛ ۱۳۸۴.

رنانی، محسن. ۱۳۸۴. ساختار اشتغال در بخش غیررسمی کشور. مجله اقتصادی، شماره ۵۰.

رنانی، اربابیان و محمد میرزایی. ۱۳۹۱. بخش غیررسمی و ظرفیت مالیاتی از دست رفته (مطالعه موردی: استان کهگیلویه و بویر احمد). پژوهشنامه اقتصادی (رویکرد اسلامی-ایرانی). دوره ۱۲، شماره ۴۴.

سازمان بین المللی کار، ژنو - ۲۰۰۲. ۱۳۸۳. کار شایسته و اقتصاد غیررسمی. ترجمه‌ی دکتر محمد ضیائی بیگدلی. پژوهشکده امور اقتصادی.

سایت رسمی استانداری کردستان-<http://www.ostan-kd.ir>.

کاتوزیان، محمد علی همایون. ۱۳۷۹. اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی. ترجمه‌ی محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی. تهران: مرکز نشر.

کریمی، زهرا. ۱۳۹۰. قانون حداقل دستمزد و اشتغال غیررسمی در ایران. اولین همایش ملی اقتصاد ایران. دانشگاه تهران.

گجراتی، دامور. ۱۳۹۶. مبانی اقتصادسنجی (جلد دوم). ترجمه حمید ابریشمی. تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوازدهم.

مهرآرا، محسن. ۱۳۸۰. جایگاه بخش غیررسمی در ایجاد اشتغال در ایران. راهبرد. شماره ۲۰.

بررسی ساختار بازار کار بخش غیررسمی شهری/ سعید نایب، کارشناسی ارشد (دانشگاه اصفهان، دانشکده اقتصاد)؛ ۱۳۸۷.

نتایج تفصیلی سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن مرکز آمار ایران. <https://www.amar.org.ir>

Bangasser, p. (2000). The ILO and the informal sector: An institutional history. Employment paper.

Bernabé, S. & Singh, A. (2002). A profile of informal employment: The case of Georgia. Working Paper No. 355192, International Labour Organization.

Funkhouser, E. (1996). The urban informal sector in Central America: Household survey evidence. *World Development*, 24(11).

Günther, I. & Launov, A. (2012). Informal employment in developing countries: Opportunity or last resort? *Development Economics*, 97(1).

Henley, A., Arabsheibani, G. R. & Carneiro, F. G. (2009). On defining and measuring the informal sector: Evidence from Brazil. *World Development* 37(5).